ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴_۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷_۸۸۵۰۱۳۰۰
_۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵و۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰_۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

یکشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰- شماره ۶۷۶۰

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 13 12 45 3000

WWW.INN.IR

info@inn.ir

دیگر رسانه‌ها

۱۰ لقب عجیب تاریخ معاصر فوتبال

کور ونیز، آقای تمیز!

لقب‌سازی برای بازیکنان، یکی از تفریحات عمده هواداران تیم‌هاست و در این بین، گاهی چشمه خلاقیت سکونشینان چنان می‌جوشد که القابی گاه خنده‌دار و گاه ماندگار برای بازیکنان رقم می‌زند. در این بین شاید این ۱۰ لقب در تاریخ معاصر فوتبال کمتر از بقیه مورد توجه قرار گرفته و البته جالب هم باشد. گزارش فوتبال ۳۶۰ را بخوانید:

فلاناگان (کافوی اسکاسر)

احتمالا غیر از خانواده و اقوام نزدیک فلاناگان، هیچ کس دوران نه چندان طولانی حرفه‌ای این بازیکن معمولی لیورپول را به‌یاد ندارد. پس طبیعی است که دادن لقب «کافوی اسکاسر» کمی برای او بزرگ و اغراق آمیز باشد!

استیوارت پیرس (روانی)

مدافع سابق تیم ملی انگلیس در زمان بازی، بازیکنی نترس بود و کمتر کسی توان کنترلش را داشت. او این خصلت را در دوران مربیگری هم حفظ کرد و به خاطر رفتارهای عجیب و غریب و عصبانیت کنترل‌ناپذیرش، لقب «روانی» را از سوی هواداران دریافت کرد. البته میمیک صورتش هم در این لقب‌گذاری بی‌تأثیر نبود.

خاویر هرناندس (چیچاریتو)

لقب او در واقع ترجمه «لوبیای کوچک» به زبان انگلیسی بود و در دوران پایانی حضور سرالکس فرگوسن افسانه‌ای روی نیمکت شیاطین سرخ آنقدر خاطره خوب ساخت که حالا همه نامش را با هیجان تکرار می‌کنند.

اولگنار سولسشائر (کودک چهره آساسین)

اگر به چهره او از زمان مطرح شدن به عنوان تعویض طلایی در منچستریونایتد اواسط دهه ۹۰ تا همین روزهای هدایت شیاطین سرخ را به یاد بیاورید، متوجه می‌شوید گذر زمان هیچ تغییری در چهره همیشه جوانانه‌اش نگذاشته و کماکان «کودک چهره» صادره از منطقه «آساسین» در نروژ نامیده می‌شود.

کریس اسمالینگ (مایک)

مدافع کناری منچستریونایتد آنقدر متوسط بود که کسی روی سکوهای اولدترافورد به صرافت ساختن لقب برایش نیفتد اما در یکی از کنفرانس‌های خبری دوران مربیگری فن‌خال در منچستریونایتد، سرمربی هلندی ۲ بار نام او را به اشتباه «مایکل اسمالینگ» تلفظ کرد و از آن زمان مطبوعات و هواداران شوخ‌طلب انگیسی نام کریس اسمالینگ را به مایک تغییر دادند!

هری مگوایر (تخته سنگ)

او نه به خاطر سایز بزرگ صورت بلکه به دلیل نمایش‌های درخشان در لسترسیتی و انتقال بزرگش به منچستریونایتد لقب «تخته سنگ» را دریافت کرد اما حداقل در فصل جاری به آن شکل قابل انتظار، وظایف یک تخته سنگ را به خوبی انجام نداده است!

دیان دابلین (پاکیزه)

صورت همیشه آراسته و تمیز ستاره سابق ویمبلدون و استون‌ویلا، یک لقب جالب را برایش به ارمغان آورد. حتی یک بار سر الکس فرگوسن از میزان آراستگی دابلین تعجب کرد. پس هواداران حق داشتند او را آقای «پاکیزه» بنامند.

ماسیموتاییی (کورونیز)

شهر رؤیایی ونیز همیشه یادآور احساسات جالب است اما دروازه‌بانی از این شهر آنقدر در دوران کوتاه حضورش در منچستریونایتد و در نقش جانشین اشمایکل اشتباهات عجیب و گل‌های بد دریافت کرد که به او لقب «کور ونیز» دادند. تصویر شکار شده از تاییی در زمان گذر توپ از بین پاهایش در جدال منچستریونایتد و ساوتهمپتون که یک گل ساده را به رقیب هدیه کرد، چنین لقبی را برایش به دنبال داشت.

روبرتو باجو (دم اسبی مقدس)

مرد سال ۱۹۹۳ دنیای فوتبال به خاطر شاد کردن مردم ایتالیا در بحرانی‌ترین لحظات و با توجه به مدل موی دم اسبی، لقب فوق‌العاده «دم اسبی مقدس» را دریافت کرد. دم اسبی‌ها معمولا خونسرد نیستند اما باجو یک استثنا بود و با جدیت و خونسردی خاصش ثابت کرد لایق این لقب است.

نیکولاس آنلکا (بداخلاق)

آنلکا حداقل از نظر ظاهری به شورانگیزی استعدادش در بدو حضور در آرسنال در سال ۱۹۹۷ نبود. این بازیکن بداخلاق از زمان نامیده شدن به عنوان ستاره آینده دنیای فوتبال در ورزشگاه هایبوری تا پایان دوران فوتبالش حدود ۱۰ باشگاه عوض کرد اما اخلاق بدش تغییر نکرد!

عکس روز

رکورد ۴۹ ساله

رابرت لواندوفسکی روز گذشته در بازی با فرایبورگ موفق شد از روی نقطه پنالتی به گل برسد. این چهلمین گلش در این فصل بود. در فوتبال آلمان فقط گرد مولر بوده که توانسته در یک فصل ۴۰ گل به ثمر برساند. مولر که بمب افکن معروف بود اینکار را در فصل ۷۲-۱۹۷۱ انجام داد. لواندوفسکی بعد از زدن رکورد مولر به یاد او بود و زیر لباسش پیرهنی تنش بود که نوشته بود: برای همیشه گرد.

طنزیم

هومن جعفری

ماجرای رئیس هیأت مدیره

به مبلغ قرارداد اندرسون تالیسکا که با باشگاه الهلال به توافق رسیده است، توجه فرمایید:

دستمزد سالیانه: ۲۷/۵ میلیون ریال سعودی (معادل ۱۸۸ میلیارد و ۱۲۷ میلیون تومان)

دستمزد ماهیانه: ۲/۳ میلیون ریال سعودی (معادل ۱۵ میلیارد و ۷۳۴ میلیون تومان)

دستمزد هفتگی: ۵۷۰ هزار ریال سعودی (معادل ۳ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان)

دستمزد روزانه: ۸۱ هزار ریال سعودی (معادل ۵۵۴ میلیون تومان)

دستمزد به ازای هر ساعت: ۳۵۰۰ ریال سعودی (معادل ۲۴ میلیون تومان)

دستمزد به ازای هر دقیقه: ۵۷ ریال سعودی (معادل ۳۹۰ هزار تومان)

این چند سطر، هم طنز تلخ است، هم طنز مفهومی، هم طنز سیاه، هم طنز توصیفی! نوشتن هر چیزی دیگری غلط است!

***

«اسماعیل خلیل‌زاده رئیس هیأت مدیره استقلال چند روزی است به اتهام تخلفاتش در شرکت ابریشم گیلان بازداشت شده است. در این خصوص امروز قوه قضاییه نیز به طور رسمی خبر از رفتن خلیل‌زاده به زندان داد اما حجت نظری سخنگوی باشگاه استقلال در این خصوص اعلام کرده که طی آخرین صحبتش با وزیر ورزش فعلاً تغییری در هیأت مدیره باشگاه به وجود نخواهد آمد.»

متوجه شدید؟ رئیس هیأت مدیره استقلال داخل زندان است اما وزیر قصدی برای برکناری‌اش ندارد! خنده‌دار نیست؟

کاریکاتور

مهم‌ترین شایعه نقل و انتقالاتی فصل پیش پیوستن مسی به منچسترسیتی بود. اتفاقی که خیلی‌ها آن را به رابطه خوب مسی و آگوئروگره می‌زدند اما حالا با گذشت کمتر از یک سال از آن روزها، همه چیز برعکس شده و احتمالاً این سر خیو آگوئروست که در تابستان پیش رو به بارسلونا می‌پیوندد.

در چنین روزی

۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰

مارادونا رسماً به الوصل امارات پیوست

باشگاه اماراتی الوصل دوشنبه شب به صورت رسمی اعلام کرد که با دیه گو مارادونا اسطوره آرژانتینی فوتبال جهان برای آموزش این تیم به مدت دو سال به توافق رسیده و قرارداد امضا کرده است.

به گزارش دوشنبه شب گروه اخبار صوتی و تصویری ایرنا و به نقل از شبکه خبری الجزیره، این باشگاه به مبلغ این قرارداد اشاره‌ای نکرد اما مروان بن بیات یکی از مقامات این باشگاه در بیانیه‌ای اعلام کرد که ارزش این اسطوره فوتبال بسیار بالا است و می‌تواند نقش زیادی در پیشبرد فوتبال امارات و به ویژه این تیم داشته باشد.

بن بیات در این بیانیه خاطرنشان ساخت که جزییات این قرارداد در کنفرانس خبری با حضور مارادونا که اول ماه ژوئن برگزار خواهد شد، اعلام خواهد شد.

مارادونا شنبه گذشته از باشگاه الوصل و امکانات و تأسیسات آن بازدید کرده بود و پس از آن بدون اینکه اظهار نظری در این مورد کند، بلافاصله امارات را به مقصد آرژانتین ترک کرده بود.

الوصل امارات یکی از باشگاه‌های فوتبال کشور امارات متحده عربی می‌باشد که هم اکنون در لیگ دسته اول این کشور که بالاترین سطح مسابقات فوتبال در امارات است، مشغول به رقابت با دیگر تیم‌ها است و در حال حاضر با ۲۷ امتیاز در رتبه چهارم جدول تیم‌های اماراتی قرار دارد.

پرونده

رشته توئیت

سام ستارزاده

یک سوزن به استقلال بزنید، یک جوالدوز به وزیر

پرسش‌های بی‌پاسخ به رنگ آبی

شکست در شهرآورد ۹۵، برای طرف آبی پایتخت بیش از یک باخت حیثیتی بود که طلسم پیروزی‌ناپذیری بر رقیب سنتی در لیگ برتر را از ۱۱۷۰ روز عبور داد و اختلاف تعداد پیروزی‌های پرسپولیس و استقلال در تاریخ دربی‌ها را به حداقل رساند. واگذاری نتیجه شهرآورد، پایان زودهنگام رؤیای قهرمانی استقلال در لیگ بیستم بود؛ اتفاقی که با توجه به عدم گلزنی استقلال در دو دیدار متوالی، تیم را به بحران نیز فرو می‌برد و امانگران‌کننده‌تر از این نتیجه، واکنش فرهاد مجیدی در کنفرانس مطبوعاتی بود.

پررنگ‌ترین حرف سرمربی آبی‌ها پس از بازی بزرگ هفته ۲۳، نه اشاره به ضعف تیمش در گلزنی و خلق موقعیت بود و نه توضیح در مورد بازی مستقیمی که استقلال در یک‌سوم انتهایی مسابقه ارائه داد. مهم‌ترین جملات مجیدی، خطاب به وزیر ارتباطات کشور بود که پس از دربی، با انتشار توئیتی، به نحوی برای هواداران استقلالی اقدام به کری‌خوانی کرده بود. جملات «وجود چنین وزیرانی باعث شده مملکت به این روز بیفتد.» و «امیدوارم سطح شعور ایشان در حد یک وزیر باشد.» با لحنی نه‌چندان دوستانه توسط مجیدی بیان شدند.

اینکه درج چنین توئیتی از سوی آقای آذری جهرمی که به‌نوعی نمک روی زخم طرفداران تیم مغلوب شهرآورد است صحیح بوده یا خیر، بحث دیگری است اما پرسشی که مطرح می‌شود، این است که فرهاد مجیدی به‌عنوان شخصی که مسئولیت ناکامی‌ها و باخت‌های استقلال را روی دوش خود می‌کشد، چرا باید در کنفرانس مطبوعاتی پس از دربی، روی حواشی فضای مجازی بیشتر از مسائل فنی و مشکلات تیم خود تمرکز داشته باشد.

به‌وضوح، مجیدی سرمربی‌ای نیست که ببرهای آبی را به بن‌بست بحران بکشاند. شاه‌فرهاد آبی‌ها در مدت کوتاه حضورش روی نیمکت استقلال در لیگ بیستم، با شوک روحی و روانی مثبتی که به تیم وارد ساخت، با نمایش‌های هجومی تماشاگرپسند استقلال مقابل الاهلی و الدحیل و با مصاحبه‌های پخته و حرفه‌ای خود در عربستان و حتی با عذرخواهی‌های بجا پس از باخت مقابل الدحیل و ذوب‌آهن، نشان‌داد می‌تواند آن سرمربی احساساتی فصل گذشته نباشد و با منطق گرایی از گردنه‌های پر پیچ‌وخم فصل به‌سلامت عبور کند.

با این حال، پس از شهرآورد ۹۵، آنچه انتظار داشتیم از مجیدی بشنویم، دلایل فنی وی برای آرایش چهاردفاعه با سه مدافع میانی تخصصی تیم، تعویض‌های دیرهنگام و خنثی و بازی سردرگم آبی‌پوشان در هنگام مالکیت توپ بودند. پاسخ به کری‌خوانی وزیر ارتباطات، به مذاق هواداران استقلال خوش آمد و از بار تقصیر مجیدی در دو دیدار اخیر لیگ، حداقل در اذهان هواداران کاست اما سؤالات برجسته و بی‌پاسخ این هواداران را به حاشیه راند.

محمود فکری را استقلالی‌ها هنوز به یاد دارند. وی در درجه اول نه به خاطر برآورده نساختن انتظارات فنی هواداران با عدم صدرنشینی در پایان نیم‌فصل، بلکه به‌علت مصاحبه‌های تهی از حس مسئولیت‌پذیری به پرتگاه استعفا کشانده شد. استقلال مجیدی در لیگ بیست‌ویکم می‌تواند آینده به‌مراتب روشن‌تری داشته باشد اما به شرطی که مجیدی برایرادات خود چشم نبندد و پیش از زدن جوالدوز به عوامل محیطی، سوزنی نیز به خود زده باشد.

میعاد نیک

پیروزی حاشیه بر متن

خشم و هیاهو

نودوپنجمین شهرآورد پایتخت با تفاوت‌های بسیاری نسبت به دربی پیشین در دور رفت لیگ بیستم برگزار شد. مهم‌ترین تفاوت بین دربی اخیر و شهرآورد پیشین، تغییر کادرفنی آبی‌ها بود که البته انگار به پروژه موفقیت‌آمیزی لااقل در تقابل سنتی دو قطب فوتبال تهران تبدیل نشده.

رویارویی اندیشه‌های یحیی گل‌محمدی و فرهاد مجیدی اگرچه برای نخستین بار نبود که مشاهده می‌شد اما نتیجه‌ای که در پس از سوت ممتد داور دربی روی اسکوربورد ورزشگاه آزادی نقش بست، برای اولین بار حاکی از پیروزی گل‌محمدی در دربی‌هایش به‌عنوان سرمربی بود. دربی عصر جمعه هیچ چیز برای عرضه نداشت.

شهرآوردی که لقب بزرگ‌ترین دربی سنتی آسیا را یدک می‌کشد و هفته‌ها پیش از شروع می‌تواند تب تندی را در جامعه هواداری پدیدار کند، با رخوتی عظیم و وارفتگی مهیبی مواجه شده که نشان از افول جدی سطح کیفی فوتبال باشگاهی در کشور دارد. قانون من‌درآوردی منع حضور بازیکنان و مربیان خارجی در لیگ بیستم وضع شد تا از هدررفت منابع ارزی و ریالی دو باشگاه بزرگ پایتخت جلوگیری شود اما «از قضا سرکنگبین صفرا فزود» که هم حداقل منابع ریالی توسط دلال‌های داخلی به یغما برود و هم نزول شدید کیفیت فنی و تاکتیکی لیگ برتر در مهم‌ترین دیدار رقابت‌ها مانند دم بریده خروس بیرون بزند.

شهرآورد سنتی تهران همیشه محلی برای نمود و پیدایش تعارض‌هایی برآمده از دل جامعه بوده که خواسته و یا ناخواسته با یک پدیده اجتماعی فراگیر به‌نام فوتبال پیوند خورده‌اند. کشمکش‌ها و تخلف‌هایی که روزهای نه‌چندان دور از روی سکوهای مملو از جمعیت استادیوم‌های امجدیه و آزادی بالا می‌گرفتند و گاهاً به داخل زمین مسابقه و کناره‌های خط طولی زمین، درست روی پیست‌های تارتان هم کشیده می‌شدند. پاندمی شیوع ویروس کرونا در کشور و محرومیت فوتبال ایران از موهبت مهمی به‌نام تماشاگر اما باعث نشد تا این تعارض‌ها فروبنشیند و دربی هم مانند یک دیدار معمولی، خالی‌تر از حواشی به اتمام برسد.

نسل جدید بازیکنان دو تیم استقلال و پرسپولیس که منبعث از نسل جوان هوادار فوتبال هستند، جای خالی سکوهای ملتهب را در اواخر بازی و در داخل مستطیل سبز تمام و کمال پر کردند تا هنوز هم دربی پایتخت خالی از جنجال‌ها و شورش‌های فردی و جمعی نباشد. آنچه از تقابل نودوپنجم آبی‌پوشان و سرخ‌پوشان تهرانی برجای ماند؛ یک پنالتی سوخته بود، چندین کارت قرمز و انباری از خشم فروخورده و نخورده. خشونت پایان بازی اتفاق عجیبی در فوتبال آماتور مانیست، کما این‌که چنین ابتلائاتی در فوتبال مدرن و فوق پیشرفته دنیا هم ممکن‌الوقوع است.

باروت‌هایی که مدت‌ها در خانِ اسلحه‌های صفحات مجازی پر شده بودند، در نودوپنجمین دقیقه شهرآورد ۹۵ به مرز انفجار رسیدند تا این حواشی باشند که از متن دربی پررنگ‌ترند. دربی پایتخت چیزی جز خشم و هیاهو برای نمایش روی پرده نداشت؛ بار فنی ضعیف دو تیم و اجرای تفکرات بازدارنده از دو سوی میدان دستِ فوتبالی‌ها را از پشت بست اما همه چیز در دقایق پایانی به اصل خود برگشت تا باز هم مطمئن شویم چیزی تغییر نکرده و دربی هنوز هم از نعره‌های احمدرضا عابدزاده و مشت‌های پرویز برومند خالی نیست.

باختن به رقیب سنتی و کنایه بچه‌گانه آقای وزیر باعث شد تا فرهاد بار دیگر وارد یک حاشیه بزرگ شود. چیزی که با آتش‌بیاری عوامل رقیب و رسانه‌های تشنه حاشیه احتمالا در روزهای آینده روی عملکرد آنها تأثیر منفی خواهد گذاشت

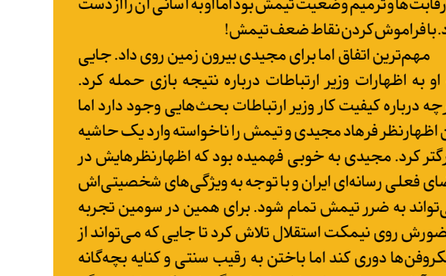

تک به تک

سامان موحدی راد

به ریل بازگرد

فراموشی به وقت شکار

دربی ۹۵ با همه آپشن‌های همیشگی به پایان رسید. گل، موقعیت خطرناک، پنالتی سوخته، دعوا و درگیری بازیکنان و البته متهم شدن یک وزیر! همه این‌ها البته در سایه این موضوع بود که پرسپولیس توانست یکی دیگر از بازی‌ها مهم فصلش را با سه امتیاز پشت سر بگذارد و همچنان خودش را به عنوان یکی از مدعی‌ترین تیم برای کسب جام در ایران معرفی کند. تیمی که به همین دلیل شایسته‌تر از بقیه برای کسب عنوان قهرمانی است؛ پیروزی در بازی‌های مهم و از دست ندادن امتیاز به آسانی! چیزی که استقلال به آسانی در دو بازی اخیرش از آن گذشت و در بازی‌های آسانی امتیاز را از دست داد تا حالا به رده پنجم جدول سقوط کند. فصل برای استقلال تقریباً تمام شده و آنها باید نهایتاً برای کسب سهمیه بجنگند و روحیه تیمی را ترمیم کنند تا در حذفی و لیگ قهرمانان آسیا بتوانند کورسوی امیدی را زنده کنند. دربی تنها شانس مجیدی برای بازگشت به رقابت‌ها و ترمیم وضعیت تیمش بود اما او به آسانی آن را از دست داد. با فراموش کردن نقاط ضعف تیمش!

مهم‌ترین اتفاق اما برای مجیدی بیرون زمین روی داد. جایی که او به اظهارات وزیر ارتباطات درباره نتیجه بازی حمله کرد. اگرچه درباره کیفیت کار وزیر ارتباطات بحث‌هایی وجود دارد اما این اظهارنظر فرهاد مجیدی و تیمش را ناخواسته وارد یک حاشیه بزرگ‌تر کرد. مجیدی به خوبی فهمیده بود که اظهارنظرهایش در فضای فعلی رسانه‌ای ایران و با توجه به ویژگی‌های شخصیتی‌اش می‌تواند به ضرر تیمش تمام شود. برای همین در سومین تجربه حضورش روی نیمکت استقلال تلاش کرد تا جایی که می‌تواند از میکروفون‌ها دوری کند اما باختن به رقیب سنتی و کنایه بچه‌گانه آقای وزیر باعث شد تا فرهاد بار دیگر وارد یک حاشیه بزرگ شود. چیزی که با آتش‌بیاری عوامل رقیب و رسانه‌های تشنه حاشیه احتمالا در روزهای آینده روی عملکرد آنها تأثیر منفی خواهد گذاشت. استقلال تیم بهتر دربی بود اما به اندازه کافی برای برنده شدن خوب نبود. اشتباهات داوری و ماجرای پنالتی مهدی قائدی هم بی‌تأثیر نبود اما با همه این‌ها استقلال در دربی ۹۵ مثل استقلال در سرتاسر لیگ بود. تیمی که توانایی بردن را ندارد چنان که در لیگ هم توانایی بردن جام را ندارد. آنها باید هرچه زودتر خودشان را ترمیم کنند. یک مربی و دستیار در کنار فرهاد مجیدی علاوه بر برطرف کردن مشکل همیشگی خط دفاعی می‌تواند آنها را در جام حذفی از امیدهای کسب جام کند. فرهاد مجیدی باید بپذیرد که نسل فعلی استقلال بعد از دو سال کنار هم کار کردن بدون جام دچار سردرگمی‌ها و بی‌انگیزه‌گی‌هایی می‌شوند و شاید دیگر نتوان آنها را کنار هم قرار داد. پس هرچه زودتر باید تیم را به ریل بازگرداند.